

محل و سال چاپ	نام مؤلف	نام كتاب
	به مختصر الدول رجوع شود	۱۴ - ابو الفرج الماطی
	به النجوم الزاهرة رجوع شود	۱۵ - ابو المعاسن
	به اعلام الناس رجوع شود	۱۶ - الاتلیدی
لیدن ۱۸۷۶ م	المقدسی	۱۷ - احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم
مصر ۱۲۹۸ هجری قمری	الماوردی	۱۸ - الاحکام السلطانیة
بغداد ۱۲۸۲	القرهانی	۱۹ - اخبار الدول و آثار الاول
به هامش الکشکول رجوع شود	الماوردی	۲۰ - ادب الدنیا والدین
مصر ۱۳۱۲ هجری قمری	السالوی	۲۱ - الاستقصاء فی المغرب الاقصى ۴ جلد
مصر ۱۲۸۶	ابن الاثیر	۲۲ - اسد الغابه فی اخبار الصحابه پنج جلد
مصر ۱۳۱۸	اتلیدی	۲۳ - اعلام الناس
بولاق ۱۲۸۵	ابو الفرج اصفهانی	۲۴ - الاغانی بیست جلد
مصر ۱۲۸۶	عبد اللطیف بغدادی	۲۵ - الافادة والاعتبار
مصر ۱۲۸۷	یوسف الباوی	۲۶ - الفباء دو جلد
(به صحیح البخاری رجوع شود)		۲۷ - البخاری
بولاق ۱۳۰۹ هجری قمری	احمد بك كمال	۲۸ - بغیة الطالبین فی علوم و عوائد العربین
(بفتوح البلدان رجوع شود)		۲۹ - البلاذری
بغداد ۱۸۹۸ م	آلوسی	۳۰ - بلوغ الارب فی احوال العرب ۳ جلد
مصر ۱۳۱۳ هجری قمری	الجاحظ	۳۱ - البیان والتبیین دو جلد
(به آثار الباقیه رجوع شود)		۳۲ - البیرونی
استانبول ۱۲۸۶	الملك المؤید	۳۳ - تاریخ ابو الفداء چهار جلد
لیدن ۱۸۸۵ میلادی	طبری	۳۴ - تاریخ الامم والملوک یازده جلد
خطی	ابن عساکر	۳۵ - تاریخ دمشق
خطی	صلیبان یوحنا	۳۶ - تاریخ المشارقه
بیروت ۱۹۰۴ میلادی	الهلال الصابی	۳۷ - تاریخ الوزراء

محل و سال چاپ	نام مؤلف	نام كتاب
مصر ۱۹۰۴ ميلادى	محمد ظافر	۳۸ - تهذيب المسلمين
خطى	ابن القفطى	۳۹ - تراجم الحكماء
بولاق ۱۲۹۵ هجرى قمرى	حسن بن عبدالله	۴۰ - ترتيب الدول
مصر ۱۳۰۸	داود الانطاكى	۴۱ - تزيين الاسواق
كوتنگن ۱۸۳۲ ميلادى	النورى	۴۲ - تهذيب الاسماء
	(به عجائب الآثار مراجعه شود)	۴۳ - الجبرتى
مصر ۱۲۹۹ هجرى قمرى	شمس الدين النواجى	۴۴ - حسن المعاضره فى مصر والقاهرة دو جلد السيوطى
، ، ،	الدميرى	۴۵ - حليته الكميت
مصر ۱۳۰۹	ابو يوسف	۴۶ - حياة الحيوان الكبرى ۲ جلد
بولاق ۱۳۰۲	قدامة بن جعفر	۴۷ - الخراج - كتاب
ليدن ۱۳۰۶	على پاشا مبارك	۴۸ - ، - ،
بولاق ۱۳۰۶	المقرىزى	۴۹ - المخطوط التوفيقية ۲۰ جلد
بولاق ۱۲۷۰	ديار بكري	۵۰ - خطط مصر دو جلد
مصر ۱۳۰۲	(به حيوة الحيوان رجوع شود)	۵۱ - الخميس دو جلد
مصر ۱۸۹۸ م	حسن بن هانى	۵۲ - الدميرى -
مصر ۱۲۸۷ هجرى قمرى	ابن بطوطه	۵۳ - ديوان ابى نواس
ليدن ۱۸۵۲ م	ابن جبير	۵۴ - رحله ابن بطوطه دو جلد
استامبول ۱۲۹۷	ابو بكر الخوارزمى	۵۵ - رحله ابن جبير
حاشيه بر مقدمه ابن خلدون چاپ	طرطوشى	۵۶ - رسائل الخوارزمى
مصر ۱۳۱۱ هجرى قمرى	سليمان و ابوزيد	۵۷ - سراج الملوك
پاریس ۱۸۱۱ م	ابن برهان الدين	۵۸ - سلسلة التواريخ
مصر ۱۳۰۲ هجرى قمرى	عبدالرحمن الاربلى	۵۹ - السيرة العملية سه جلد
بيروت ۱۸۸۵ م		۶۰ - سير الملوك

<u>محل و سال چاپ</u>	<u>نام مؤلف</u>	<u>نام کتاب</u>
لیدن ۱۸۷۳ میلادی	ابن حوقل	۱۰۷- المسالك والممالك
۱۳۰۶ هجری قمری	ابن خردادبه	۱۰۸- « «
۱۸۷۰ م	استخری	۱۰۹- « «
مصر ۱۳۱۱ هجری قمری	الاشبھی	۱۱۰- المستظرف دو جلد
	(به مروج الذهب رجوع شود)	۱۱۱- المسعودی
دهلی ۱۳۱۰ هجری قمری	ولی الدین العمری	۱۱۲- مشکاة المصابیح
مصر ۳۰۰ هجری قمری	ابن قتیبه	۱۱۳- المعارف
لاپیزیک ۱۸۷۰ م	یاقوت العموی	۱۱۴- معجم البلدان ۶ جلد
خطی	طاش کوپری زاده	۱۱۵- مفتاح السعاده
	(به احسن التقاسیم رجوع شود)	۱۱۶- المقدسی
	(به نفع الطیب رجوع شود)	۱۱۷- المقری
	(به خطط مصر رجوع شود)	۱۱۸- المقریزی
لندن ۱۸۴۲ م	شهرستانی	۱۱۹- الملل والنحل دو جلد
خطی	الامام مالک	۱۲۰- الموطاء
	(به مجمع الامثال رجوع شود)	۱۲۱- العیدانی
بولاق ۱۹۰۳ م	الحکومه المصریه	۱۲۲- منرانیه (بودجه) مصر سال ۱۹۰۲
لیدن ۱۸۵۱ م	ابوالمحسن	۱۲۳- النجوم الزاهرة دو جلد
بولاق ۱۲۹۷ م	المقری	۱۲۴- نفع الطیب ۴ جلد
خطی	القلقشندی	۱۲۵- نهایت الارب فی قبایل العرب
لکنه و ۱۳۱۴ هجری قمری	برهان الدین الفرغانی	۱۲۶- الهدایه
	(بکتاب البلدان رجوع شود)	۱۲۷- الهمذانی
مصر ۱۳۱۰ هجری قمری	ابن خلکان	۱۲۸- وفيات الاعیان سه جلد
	(بکتاب البلدان رجوع شود)	۱۲۹- الیعقوبی
۱۸۹۸ م	چاپ علیکده (هند)	۱۳۰- رساله های شبلی نعمانی بزبان اردو

کتاب آلمانی و انگلیسی و فرانسه که از آنها نقل شده است

Gibbon's Roman Empire.	London	، ، ،
Bretschneider's Knowledge Possessed by ancient chinese of the Arabs.	"	
Poter's Constitutional History of turkey.	Ms.	
Lane Poole's Mohammadan Dynasties.	London	1894
Statesman's Year book	"	1904
Williams' Sanskrit Grammar.	Oxford	1876
Browne's Literary History of Persia.	London	1902
Frazer's " " " India.	"	1898
Rawlinson's Ancient Monarchies, 4 Vol.	"	1862
Whitaker's Almanack.	"	1901
Browne's Translation of Ibn Isfandiyyar's History of Tabaristan.	Leyden	1905
Library of Universal History, 8 Vol.	New York	1897
Clot Bey, Aperçu sur l'Egypte, 2 Vol.	Paris	1840
Labourt, Christianisme dans l'Empire Perse	"	1904
Revue Archéologique	"	1905
Van Vloten, La Domination Arabe etc. sous le khalifat des Omayyades.	Amsterdam	1894
Von Kremer, Einnahmebudget des ablass	Wien	1887
Culturgeschichte des Orients, 2 Vol.	Wien	1875

علاوه بر کتب مذکور فوق از فرهنگ های (قاموسهای) تاریخی و جغرافیائی و ادبی
السنه عربی، آلمانی، انگلیسی، فرانسه، نیز مطالبی اقتباس شده است.

فہرست نامہ جاد اول

<u>درست</u>	<u>غلط</u>	صفحہ
سلطان محمد	سلطان محمدن	۹
از آنرو	از آنروز	۱۵
یکنوع	یکنوع	۲۲
نطوریان	نطوریان	۳۹
بریدند	بریزند	۴۳
ہجرت	حجرت	۵۸
بگوئیم	میگوئیم	۶۴
یعطوا	یعطو	۷۲
صاغرون	ساغرون	۷۲
سپاہیان	سیاہیان	۷۸
مہر	شہر	۸۳
ازمرگ	مرگ	۸۷
ارمنستان	ارمنسان	۱۰۴
میلادی)	میلادی	۱۰۹
اقیموا	اقیمو	۱۱۳
ارکمو	ارکمو	۱۱۳
اعتراض	اعتراض	۱۲۵
ذراع	ذرع	۱۲۹
مازندران)	مازندران	۱۳۲
العزیز	العزیر	۱۳۴
عربہای	عربہا	۱۸۰
غنیمت	غنیمت	۲۱۵
مستحقان	مستحقاق	۲۱۸
صندل	صندلی	۲۳۱
سپاہیان	سپاسیان	۲۵۰
اشعث	اشعت	۲۵۳

بنام خدا

مقدمه مؤلف

شکی نیست که تاریخ اسلام یکی از مهمترین تواریخ عمومی جهان میباشد. زیرا تاریخ مزبور عبارت از تاریخ تمدن سراسر جهان در قرون وسطی است و باینکه بگوئیم تاریخ اسلام مانند حلقه‌ای است که تاریخ دنیای قدیم را بتاریخ جدید وصل میکند. از تاریخ اسلام، تمدن جدید سرزده و تمدن دنیای قدیم بآن پایان یافته است. سالها بود که ما بمطالعه تاریخ اسلام مشغول بودیم و همینکه از امور مجله الهلال فارغ میشدیم بتاریخ اسلام میپرداختیم و برحقایق تاریخی اسلام تعلیق و حاشیه مینگاشتیم و یاد داشت میکردیم باین امید که تاریخ مفصلی در آن باره بنویسیم. مگر در مکرر نیت خود را در آن خصوص اعلام داشتیم و هنوز هم با یاری خداوند بهمان عزم و نیت هستیم.

ما معتقد بوده و هستیم که خوانندگان عرب زبان (مسلك و مذهبشان هر چه باشد) بمطالعه و انتشار تاریخ اسلام نیازمند میباشند زیرا تاریخ اسلام عبارت از تاریخ زبان و ملت و ممالك آنان میباشد بلکه تاریخ اسلام چیزی جز تاریخ تمدن و آداب و عادات ملل عرب زبان نمیباشد و نظر بهمان عقیده، هر موقع که فرصتی بدست میآید مطالبی از تاریخ اسلام با تناسب موقع و زمان منتشر میساختیم و اذهان عمومی را با در نظر گرفتن اختلاف طبقاتی و تفاوت مراتب علم و فهم آنها برای شنیدن و خواندن تاریخ اسلام آماده میکردیم. نشریات مزبور عبارت از داستانهای بود که از تاریخ اسلام ساخته و پرداخته ما بود و ضمیمه مجله الهلال انتشار مییافت مخصوصاً ما حقایق تاریخی اسلام را بصورت داستان منتشر میکردیم تا مطالعه آن آسان باشد چون برای عامه

مردم مطالعه حقایق تاریخی خستگی آور میباشد، بخصوص در ممالک عربی که علم و تمدن دوران کودکی خود را طی میکنند پس ناچار باید تدبیری بکار برد و مردم را وادار بمطالعه کرد و البته بهترین وسیله همان انتشار حقایق تاریخی بصورت داستان می باشد.

تاکنون شش داستان از مهمترین وقایع تاریخ اسلام منتشر کرده ایم که مربوط با آغاز تمدن اسلامی تا واقعه قتل ابن زبیر و انتقال خلافت بعبد الملك مروان میباشد خوشبختانه خوانندگان باین نشریات توجه خاصی پیدا کردند و برای درک حقایق تمدن اسلام، اشتیاق بسیار نشان دادند بعلاوه نویسندگان دانشمند عرب زبان ارتباط تمدن اسلام را با تمدن جدید غرب متوجه شدند و متوالیاً در این موضوع با ما مکاتبه کرده نظر ما را خواستند از آنرو درصدد بر آمدیم که ضمیمه سال دهم الهلال را کتابی ترتیب دهیم که از تاریخ اسلام و ارتباط آن با تمدن جدید غرب در آن بحث شود.

مسلم است که تاریخ يك ملتى تاریخ جنگها و پیروزیها و شکستهای آن ملت نیست، بلکه تاریخ يك ملت، عبارت از تاریخ تمدن و فرهنگ آن ملت میباشد. متأسفانه مورخین عرب درصدد بر نیامده اند که علل وقایع و ارتباط علت و معلول را ذکر کنند و فقط جریان واقعه را نگاشته اند از آنرو خواننده نمیتواند با مطالعه آن مطالب حقیقت تمدن ملل اسلامی را در نظر بگیرد و علل و موجبات وقایع را درک کند ولی باید نویسندگان و مورخین عرب را معذور داشت زیرا ذکر علل تاریخی مستلزم آنست که مورخ از یکطرف جانبداری کند، تا بتواند حقیقت قضیه را شرح دهد و مورخین مزبور نمیخواستند خود را دچار طرفداری بکنند و شاید عذرهای دیگر هم داشته اند.

ولی اکنون، آن موانع برطرف شده و مورخ بیطرف میتواند علل و موجبات وقایع را تشریح کند. بسیاری از خاورشناسان از مدتها پیش ب فکر آن بودند که مجموعه ای از تاریخ تمدن اسلام تألیف کنند، اما بقدری حقایق وقایع اسلامی را پراکنده و از هم گسیخته دیدند که خواه ناخواه از آن اقدام منصرف شدند و بهمان نظر

موقعی که ما تصمیم خود را در آن باره منتشر کردیم ، خاورشناسان از این اقدام دشوار ما در شکفت ماندند . برآستی موقعی که ما تصمیم خود را درباره تالیف تاریخ تمدن اسلام منتشر کردیم ، انتظار نداشتیم که بیش از (۱۶۰) صفحه مطالب مهم مربوط بدست آوریم ، ولی با کوشش بسیار موفق شدیم مطالب زیادی در کتب خطی و چاپی ، علمی و ادبی و سیاسی و تاریخی اسلام بدست آوریم .

قسمتی از کتابهایی که بدان مراجعه نموده ایم عبارت است از :

۱- قسمت تاریخی :

تالیفات ابن اثیر - ابن خلدون - ابن خلکان - مقریزی - بلاذری - ابوالفداء خمیس - مسعودی - مقری - فخری - سیوطی - ابن خردادبه - یاقوت - اصطخری - و غیره .

۲- قسمت ادبی :

اغانی - عقدالفرید - ابن عبدربه - کشکول - مستطرف - سراج الملوك و غیره .
۳- قسمت تفسیر و فقه و حدیث :

تفسیر رازی - تفسیر زمخشری - صحیح بخاری - مشکاة المصابیح - هدایه و غیره ،
۴- قسمت اداری و سیاسی :

کتاب الخراج ابویوسف - کتاب الخراج و صنعة الكتاب تالیف قدامة بن جعفر ، احکام السلطانیة ماوردی - عقدالفرید ملک سعید - مقدمه ابن خلدون .

علاوه بر مطالعه کتب مزبور کتابهای دیگری را مطالعه کردیم که شاید بسیاری از مردم مطالب آنرا مربوط بموضوع ما نمیدانند ولی ما توانستیم حقایق مهمی از آن کتب بدست آوریم . کتب مزبور عبارت است از :

حیوة الحیوان دمیری - عجایب المخلوقات قزوینی - و غیره .

همچنین از کتب لغت و فهرست ها ، مانند کشف الظنون - کلیات ابی البقاء - کشاف اصطلاحات فنون تالیف تهانوی و غیره مطالب مفیدی اقتباس کردیم .

باید یاد آور شد که تمام تالیفات مزبور بزبان عربی بوده و اما تالیفات دانشمندان

غرب که مورد توجه و مطالعه ما بوده عبارت است از :

۱- کتاب تمدن العرب تألیف دکتر گوستاو لوبون بزبان فرانسه
La Civilisation des Arabes, par Dr. Custave Le Bon

۲- تاریخ مملکت روم شرقی تألیف لیبو بفرانسه
Hist. de Bas-Empire, par Lebeau 30 vols.

۳- دوره مجله آسیائی بفرانسه . *Journal Asiatique, Series*

۴- تمدن و فرهنگ شرق در دوره خلفاء تألیف فون کرمر بآلمانی
Culturgeschichte des Orients unter den Chalifen, von A. von Kremer

۵- تاریخ اسلام تألیف مولر آلمانی
Der Islam im Morgen -und Abendland, von Dr Müller

۶- دولت های اسلام تألیف ستانلی لین پول بانگلیسی
The Mohammadan Dynasties, by S. Lane-pool.

۷- تاریخ امپراتوری روم تألیف گیبون بانگلیسی
Roman Empire, by Gibbon, 2 vols

و غیره و غیره .

خلاصه اینکه برای تألیف تاریخ تمدن اسلام، بیش از دوست کتاب عبری و زبانهای اروپائی مطالعه کردیم . بعلاوه بفرهنگها و انسیکلوپدیهای متعددی مراجعه نمودیم و خود نیز از سابق مطالعاتی درباره تاریخ شرق داشتیم و پس از انجام این مطالعات مبسوط و مفصل ناگهان متوجه شدیم که خلاصه مطالعات ما از نظر سیاسی و اداری و علمی و ادبی و اخلاقی، درباره تاریخ شکفت آور تمدن اسلام، خیلی بیش از آن است که در یک کتاب جمع آوری گردد، لذا نتیجه مطالعات خود را بچند قسمت تقسیم کردیم و اینک قسمت اول آنرا منتشر میسازیم و امیدواریم که قسمت های دیگر آنرا نیز هر ساله بعنوان ضمیمه الهلال منتشر سازیم انشاء الله .

اینک قسمت اول را شروع میکنیم. این قسمت اساس و پایه قسمت های دیگر است . قسمت مزبور مشتمل بر مقدمات زیر میباشد :

تمدن و اوضاع مردم عرب پیش از اسلام تا ظهور اسلام و کمی قبل از آن حکومت عرب در دوره جاهلیت - اوضاع کعبه و قریش تا ظهور اسلام - چگونگی دعوت اسلام - انتشار اسلام - فتوحات اسلامی - خلفای اموی - خلفای عباسی - خلفای اندلس

(اسپانی) خلفای فاطمی و غیره . نگارش ما درباره مطالب فوق ، کاملاً از نظر انتقادی و تحقیقی بوده است و کلیه وقایع مهم را با ذکر مدارك و اسناد علت وقوع آن و نتایج حاصله از آن واقعه و ارتباط آن واقعه با وقایع بعدی را به تفصیل ذکر کرده ایم مخصوصاً علل پیشرفت و پیروزی اعراب را بر ایرانیان و رومی ها کاملاً شرح داده ایم ، که چگونه با کمی عده و ناچیزی وسایل توانستند دو امپراتوری بزرگ روم و ایران را از میان بردارند . تا آنجا که خود میدانیم کسی تاکنون غیر از ما این مبحث عالی فلسفی را به هیچ يك از زبانها متعرض نشده است ، فقط بعضی از دانشمندان غرب ، مختصری در این باب نگاشته اند که نمیتوان از آن استفاده کامل برد . البته دانشمندان غرب برای کوتاه آمدن در تحریر تاریخ تمدن اسلام ، مورد ملامت نیستند چه که تمدن اسلام با دین و اخلاق و تاریخ و آداب و رسوم آنان چندان ارتباطی ندارد و اگر هم مربوط باشد ارتباط آن مختصر است و در هر حال اگر کسی باید ملامت بشود بیش از همه خود ما (عربها) باید مورد ملامت باشیم ، که آنقدر بزبان و تاریخ و آداب و اخلاق و رسوم خود بی علاقه ماندیم تا غربی ها پیشدستی کرده در این مورد هم از ما جلو افتادند .

پس از ذکر این مقدمات بشرح اوضاع ممالک اسلامی در دوره عظمت و ترقی آن پرداختیم و یکایک آن ممالک را بتفصیل نگاشتیم ، سپس حکومت های اسلامی و دستگاه های دولتی آنها مانند خلافت ، وزارت ، استانداری ، خزانه داری ، ارتش و سایر مؤسسات را شرح دادیم و تاریخ تأسیس این دوائر و شعب و ملحقات و چگونگی پیدایش آنها ذکر کردیم و برای پیدا کردن و دریافتن حقایق مربوطه دشواری های بسیاری متحمل شدیم چه بسا که تمام يك كتاب ضخیم را برای دریافت يك یا دو حقیقت تاریخی مطالعه کردیم و گاه هم میشد که برای کشف يك حقیقت مجبور بمطالعه دو یا سه جلد کتاب میشدیم .

من باب مثال میگوئیم ، بعد از اینکه مطالب مربوط به قضاة و استانداران را جمع آوری کردیم در صدد برآمدیم حقوق قضاة و استانداران را در زمان خلفای

راشدین تعیین نمایم ، ناچار بچندین کتاب مراجعه کردیم ، در فتوحات البلدان بلاذری این مطلب را یافتیم .

«عمر بن خطاب عمار یاسر را مأمور آرتش کوفه کرد همین قسم امامت نماز را باو واگذار و عبدالله مسعود را مأمور دارائی و داد گستری کرد و عثمان بن حنیف را برای تعیین حدود اراضی گماشت . . .»

از این چند جمله سمت مأمورین زمان عمر تعیین میشد ولی مقدار حقوق آنها معین نبود . سپس در کتاب سراج الملوک طرطوشی در قسمت مربوط بر رفتار پادشاهان در مورد انفاق مال و رفتار حکام این مطالب را بدست آوردیم :

« خلیفه دوم موقعی که عمار یاسر را بکوفه فرستاد ، حقوق او و سایر مأمورین را تعیین کرد و تا آن زمان حقوق مأمورین تعیین نشده بود عمر ماهی ششصد درهم برای عمار تعیین کرد که هم بابت حقوق خودش باشد و هم از مبلغ مزبور حقوق اذان گوها و منشی ها و فرمانداران زیر دست خود را پردازد و ماهی صد درهم برای عبدالله بن مسعود مقرر داشت . . .»

چنانکه ملاحظه میشود مؤلف سراج الملوک سمت و منصب عمار و مسعود را تعیین نکرده فقط آنها را گفته و مؤلف فتوح البلدان تنها سمت را گفته و از حقوق نام برده است . ولی ما بعد از مطالعه هر دو کتاب دریافتیم که در زمان عمر حقوق استاندار ، ماهی ششصد درهم و حقوق قاضی و مأمور دارائی ماهی صد درهم میشده است و همین قسم از قرائن دریافتیم که هر کس سرپرست آرتش و امام جماعت بوده بنام عامل (استاندار یا فرماندار) خوانده میشده است .

بهر حال در جلد دوم تاریخ تمدن اسلام ، مطالب ذیل مورد بحث خواهد بود :

ثروت مملکت اسلامی - ثروت اهالی - تمدن و فرهنگ اهالی (۱) - روابط دولتهای اسلامی با دولتهای معاصر و مجاور - اوضاع و احوال خلفاء - مجالس آنان - تفریحات آنان - توجه آنان به علم و علما - بشعر و شعراء و ترتیب آمدن آنان نزد

خلیفه - کانخ‌های خلفاء - چگونگی پذیرایی آنان از مردم در مواقع رسمی - تجملات خلفاء - سوار شدن آنها - همانیهای آنان - بذل و بخشش آنها - ساختمانهای اسلامی - شهرهای اسلامی و غیره .

و اما مطالب جلد سوم از اینقرار است :

علم و ادب و صنعت و شعر در شام و عراق پیش از اسلام و چگونگی و تاریخ پیشرفت آن در اسلام و میزان ترقی آن .

در جلد چهارم ، راجع باوضاع و عادات اجتماعی عصر درخشان با رعایت تناسب مقام گفتگو خواهد شد .

جلد پنجم ، یعنی آخرین مجلد این کتاب ، در ارتباط تمدن اسلام با تمدن غرب صحبت میشود ، بدیهی است پس از مطالعه چهار جلد سابق ، موضوع مزبور کاملاً روشن خواهد بود .

بنابراین ملاحظه میشود که انجام این مهم تا چه اندازه سنگین و دشوار است بخصوص که در زبان عربی تاکنون چنین تاریخی نگاشته نشده و از هر جهت تازگی دارد . این مطالب را برای آن یاد آور شدیم که اگر تقیصه‌ای در تألیف ما دیده شود عذر ما را بدانند و بپذیرند و در عین حال از دانشمندان و اهل تحقیق خواهشمندیم با ما همراهی کنند و نظر و عقیده خود را مرقوم دارند تا در مجلدات آینده مورد استفاده واقع گردد . انشاء الله .

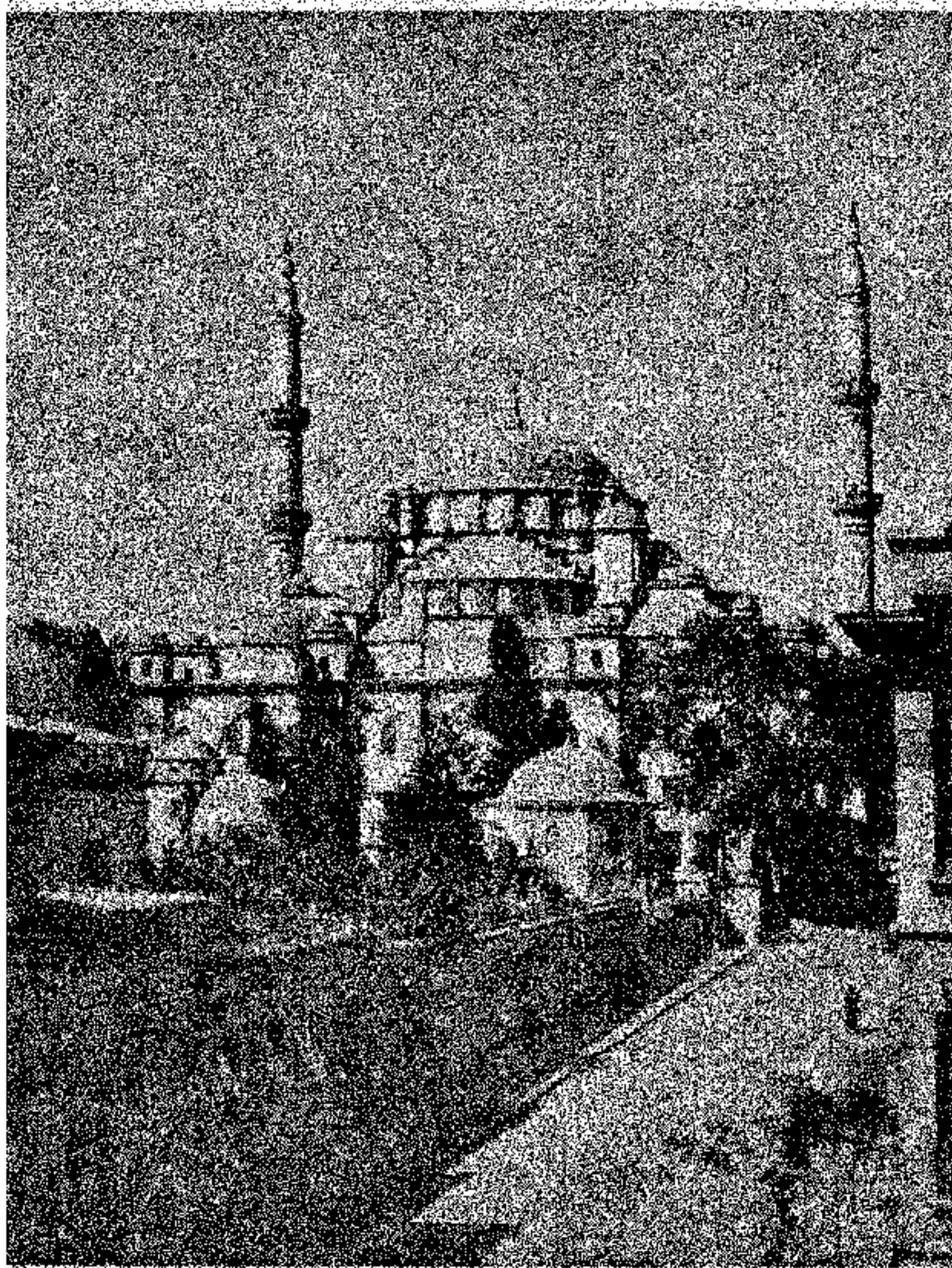
چند مقدمه لازم

اگر بخواهیم از تمدن يك ملتى صحبت بداریم باید از وسعت ممالك آن ملت و عظمت و ثروت آن ملت و فرهنگ آن ملت و نتایج و وسایل پیشرفت آن فرهنگ گفتگو کنیم و خواه ناخواه تاریخ علم و ادب و صنعت و لوازم آن از قبیل آموزشگاهها و کتابخانهها و اجتماعات و مقامات دولتی و آسایش عمومی جزء مباحث ما خواهد آمد و همچنین باید دانست که تأثیر آن فرهنگ و تمدن در هیئت اجتماعی آن ملت تا چه اندازه بوده است، از آنرو باید آداب و رسوم اجتماعی آن ملت را شرح بدهیم و عوامل و علل و موجبات شیوع آن آداب و رسوم را ذکر کنیم.

مطالعات و مباحثات ما در موضوعهای بالا موقعی کامل خواهد بود، که اوضاع اجتماعی ملت مزبور را پیش از ورود بدایره تمدن بخوبی دانسته باشیم و همچنین باید بدانیم که آن ملت چگونه با بدایره تمدن گذاشت و عوامل و وسایل آن چه بوده است این مطالعات در مورد هر تمدنی لازم است و در مورد تمدن اسلام لازمتر میباشد زیرا عوامل مخصوصی در پیشرفت تمدن اسلام مؤثر بوده که در سایر تمدن ها آن عوامل موجود نبوده است.

نظر بمراتب مزبور ناچار هستیم که مقدمات لازمی در ابتدای این مجلد ترتیب دهیم. مقدمات مزبور درباره اوضاع عرب قبل از اسلام گفتگو میکند و حالات اجتماعی آنرا پیش از اسلام شرح میدهد، همین قسم درباره وضع اجتماعی مردم جزیره العرب - مردم ایران - مردم امپراطوری روم پیش از ظهور اسلام بحث میکند و عوامل پیروزی عرب را (با کمی عدد و ناچیزی وسایل) بر آن دو امپراطوری بیان میکند. در ضمن

این مقدمات اوضاع سیاسی و مذهبی مسلمانان در زمان خلفای راشدین ، بنی امیه ، عباسیان و خلفای فاطمی شرح داده شده است . پس از شرح این مقدمات لازم در باره وسعت ممالک اسلامی و تشکیلات مؤسسات آن گفتگو میداریم . اینک میگوئیم :



استان بوز مسجد سلطان محمدن فاتح

عرب و تمدن

بارهای از تاریخ نویسان غرب تصور کرده‌اند که عربها در ایجاد تمدن اسلامی عامل مؤثری نبوده‌اند و تمدن اسلامی بر مبنای از هم ریخته تمدن روم و ایران ایجاد گشته و تعدیلاتی در آن شده است این دسته از تاریخ نویسان معتقدند که عربها طبعاً از تمدن و شهرنشینی دور بوده‌اند و چه پیش از اسلام و چه بعد از آن از خود تمدن و فرهنگی نداشته‌اند اما بعقیده ما استعداد عرب برای ایجاد تمدن و اداره امور کشور از ملتهای متمدن قدیم و جدید کمتر نبوده و برای اثبات گفته خود میگوئیم :

مردمان شبه جزیره عربستان بدو قسمت عمده تقسیم میشوند :

- ۱- قحطانی‌ها که در خاک یمن و زمینهای مجاور آن سکونت داشته‌اند و نسب آنان به قحطان یا یقطان بن عامر و ارفخشاد و سام منتهی میگردد.
 - ۲- اسماعیلی یا عدنانی که در حجاز و نجد و اراضی میانه جزیره عربستان سکونت دارند و نژادشان با براهیم و هاجر میرسد اینها را عدنانی - مضر - معدی نیز میگویند. چون نام یکی از نیاکان آنان عدنان - مضر - معد بوده است.
- و چون خاک یمن حاصل خیز بوده قحطانی‌ها زودتر از عدنانی‌ها متمدن شده‌اند دولتهای حمیر - سبا - کهلان و غیره از میان اقوام قحطانی برخاسته و با فرعونهای مصر و پادشاهان بابل و آشور همزمان بوده‌اند. از شهرهای نامی آنان مارب - صنعاء - سبا میباشد. دولت نبطی‌ها (یا انباط) از میان اسماعیلی‌ها در اطراف فلسطین تأسیس شده است.

علاوه بر این دولتها ملل و دول دیگری از میان اعراب پدید آمده که فقط اسمشان باقی مانده است و مشهورترین آنان قوم عاد - نمود - طسم - جدیس و عمالقه میباشد و

نژاد آنان به لاو و ذبن سام پایان مییابد (به جلد بیستم الهلال سال پنجم رجوع شود). بنابراین تمدن اسلامی نخستین تمدن ملت عرب نبوده و پیش از تمدن اسلام مردم حمیر - کهلان - سبا و اسطه تجارته شرق و غرب بودند زیرا کشور یمن در آن موقع میان چند کشور متمدن واقع شده بود، بازرگانان هند کالای خود را از دریای هند به یمن و حضرموت میآوردند و بازرگانان یمن آنرا به حبشه و مصر و فنیقیه و فلسطین و شهرهای مدین و عمالقه و ادوم و کشور مغرب حمل میکردند و عربهای اسماعیلی همان کالاها را از راه خشکی تا آخرین نقطه آباد دنیای آن روز میرساندند.

علت عمده پیشرفت عرب در امور بازرگانی آن زمان یکی موقع جغرافی آنان بود که میان چند کشور متمدن قرار داشت، بعلاوه زبان اعراب با زبان غالب ملل مجاور خودشان نزدیک بود و از یک اصل سامی ریشه میگرفت و چنانکه امروز مشاهده میشود در آن روز هم زبانهای عربی - کلدانی - آشوری - عبری - حبشی - فنیقی با هم شبیه هستند و تقریباً نسبت این زبانها یکدیگر مانند نسبت زبان عربی عوامانه با زبان عربی فصیح میباشد. در آن موقع اگر عربی از حجاز بمراق و یا حبشه و فنیقیه میرفت محتاج بترجم نبود و زبان کلدانی و آشوری و حبشی را میفهمید همینطور که اکنون عرب شامی بمصر میآید و احتیاجی بترجم ندارد.

و از همین نظر ابراهیم در قرن بیستم پیش از میلاد، از کشور کلدانیه به کشور سوریه و فنیقیه و عربستان آمد و با آنان آمیزش کرده و احتیاجی هم بترجم نداشت. همینطور بنی اسرائیل در قرن پانزده قبل از میلاد، مدت چهل سال در صحاری عربستان بدون مترجم بسر بردند.

بطور کلی علتی ندارد که عرب متمدن نباشد، برادران هم نژاد عرب یعنی کلدانیها آشوریها، فنیقیها، دارای تمدن عالی بودند. عربها دارای همان استعداد و کمالات میباشند و اگر تمدن و فرهنگ مردم عربستان مانند تمدن کلدانیها و آشوریها پیشرفت نکرده بود برای آن بود که شبه جزیره عربستان بواسطه کم آبی و هوای نامالایم استعداد ترقی و پیشرفت زیاد نداشت برعکس کلدانیها و آشوریها در بهترین نقاط خاور میانه سکونت داشتند و از حاصلخیزی زمین خود استفاده کرده تمدن عظیمی ایجاد نمودند.

و همینکه عربهای ساکن شبه جزیره بعراق دست یافتند، تمدنی مانند تمدن آشور و کلدی و بلکه بهتر از آن ایجاد نمودند. شکفت اینککه عربها با وجود خشکی و بی آبی و بدی آب و هوای کشور خود، موفق شدند تمدن بالنسبه مهمی تشکیل دهند، مثلاً اعراب یمن دارای تمدنی بوده اند که آثار آن از خرابه های روی خـاک و زیر خاک در مـهره - حضرموت و یمن پدیدار است و از مردم عاد و ثمود و سایر طوایفی که فقط اسمشان باقی مانده تمدن و فرهنگی نقل میشود که در عصر حاضر بیشتر آنرا افسانه می پندارند. مثلاً در باره شهر ارم و ستونهای آن چنین میگویند:

مشداد پسر عاد شهری در احقاف بنا کرد که مساحت آن ده فرسخ در ده فرسخ بوده است ستونهای آن از سنگهای سیاه و سفید یمن و روپوش ستونها از لوحه های نقره زر اندود ساخته شد، در میان شهر صد هزار کاخ بنا شد و هر کاخی ستونهای زبرجد و یاقوت داشت درازی هر ستون صد ذرع بوده است جویهای بسیار در آن کاخها جاری میشد ریگ ته آن جویها دانه های طلا و جواهر و یاقوت بوده است.

البته این گزاره گوییها مبتنی بر اساس بوده و حداقلش آنست که پاره ای از عمارات قوم عاد و ثمود، با جواهر گرانبها تزیین میشده این خود نشان تمدن عالی و ریشه داری میباشد.

عربهای حمیر و سبا (قحطانی) که بعد از عاد و ثمود بودند، تمدن بزرگی داشتند و اکنون پاره ای از آثار آن تمدن از خرابه های عدن - صنعاء، حضرموت، کشف شده که از آن جمله الواح خط حمیری است و غالب آن ادعیه دینی میباشد و البته اگر تحقیقات بیشتری بشود آثار مهم تری از تمدن اقوام قحطانی بدست می آید، علاوه بر این آثار اخبار و مطالب زیادی درباره تمدن اقوام قحطانی، زبان بزبان نقل شده و تا عصر حاضر نیز آمده و تمام این قرائن بر يك تمدن ثابت و مهمی دلالت میکند که از تمدن آشور و مصرها - فنیقی ها دست کم ندارد. همین اقوام بودند که آرتش های منظم ترتیب دادند. معدن استخراج کردند شهرها و کاخها ساختند، باغها آباد ساختند مجسمه ها تراشیدند، کشورها گشودند، بازرگانی را توسعه دادند و چگونه است که با این همه آثار، بتمدن نباشند؟ بیرودت جهانگرد نامی یونان در قرن پنجم میلاد میگوید:

کنند و در چین ولادن فقط در کشورهای عرب یافت میشود .
سد مارب که هنوز هم نام آن بر سر زبانهاست ، از آثار تمدن عرب میباشد و آنرا در قرن دوم پیش از میلاد ساخته اند . سد مزبور مانند سدهای محمد علی پاشای مصری موسوم به «قناطر خیریه» بوده است با این فرق که سد مارب پل نداشته و عبارت از دیوار بلندی بوده که میان دو کوه کشیده شده بود و آبی را که از قله آن دو کوه سر ازیر میشده در وسط دو کوه جمع میکرد و تا ارتفاع قله کوه بالا میآورد و است . میگویند که درازی آن سد يك فرسخ در يك فرسخ بوده و دارای شعبه ها و در پیچه هایی بوده که هفتاد سرزمین را مشروب میساخته است شکی نیست که سازندگان این سد بزرگ از علم هندسه اطلاع کامل داشتند و دارای همتی عالی بودند که توانستند چنان سدی بسازند سد مزبور قرنها باقی بود و بالاخره در اثر مرور زمان محتاج بتعمیر شد ولی دولتهای وقت از ترمیم آن عاجز ماندند و همینکه خرابی آنرا دانستند خواه ناخواه از یمن رفتند . عرب های غسان بشام - عربهای هندز ، بعراق - عربهای اوس بمدینه - عربهای ازد ، بمنا - عربهای خزاعه بمکه آمدند ، در اواسط قرن دوم میلادی سدهای مارب خراب شد و آب از کوه بمنی سر ازیر شده شهرها و دهها را ویران ساخت و بقیه مردم نیز از سرزمین بومی خود رفتند و این همان واقعه ایست که به سیل عرم شهرت دارد و شاید دولت سبأ بواسطه همین پیش آمد منقرض گشت .

سترابون جهانگرد نامی روم در قرن اول پیش از میلاد میگوید شهر مارب شهر عجیبی بوده زیرا سقف عمارات آن از عاج ساخته شده و با لوحه های زر اندود و جواهرات تزیین شده بود ظروف زیبایی در شهر مارب دیده می شد که انسان را متعجب میساخت .

آری این گفته های سترابون میرساند که آنچه درباره تجملات عاد و نمود و شهر ارم و کاخ ارم ذکر شده بر اساس صحیحی مبتنی بوده است .

بعقیده ما اگر در خرابه های مارب ، صنعا و سایر پایتخت های اقوام حمیر و سبا حفاری بشود آثار مهمی بدست میآید و حقایق تاریخی تازه ای کشف میشود ، همانطور که پس از حفاری در مصر و عراق آثار مهمی از تمدن فرعونها و پادشاهان آشور و بابل

بدست آمد و این از وظایف دولت عثمانی است که اقدام لازم بعمل آورد. دیگر از ملت‌های متمدن عرب (قبل از اسلام) ملت نبطی است که نژادش به نیا یوط فرزند اسماعیل میرسد شهر پترا (Petra) واقع میان فلسطین و شبه جزیره سینا از بناهای آن ملت است. کشور آنان از شبه جزیره سینا تا حجاز امتداد می‌یافت و رابط بازرگانی شرق و غرب محسوب میشد. رومی‌های معاصر نبطی‌ها در جنگ‌ها از آنان کمک می‌گرفتند و پیش از آنکه دولت غسان در شام پدید آید ملک حارث از پادشاهان نبطی مدت کوتاهی در قرن اول میلادی بر شام فرمانروایی می‌کرد. دولت نبطی‌ها تا اوایل قرن دوم میلادی باقی بود و از آن موقع جز امپراتوری روم در آمد و آثار تمدن آنان در پترا باقی است و خط نبطی که از آنان بر جا مانده مانند خط حمیری خوانده میشود.

عمالقه نیز از ملت‌های متمدن عرب (پیش از اسلام) بشمار می‌آیند. این مردم سلحشور و سختگیر با اقوام مجاور خویش می‌جنگیدند و مشهور است که مصر را فتح کرده قرن‌ها در آنجا حکومت می‌کردند.

عرب‌های قحطانی پس از واقعه سیل عرم بعراق و شام آمدند و شهرهای مهمی بنا کرده‌اند که از آن جمله: شهر بصری در حوران و حیره در عراق از آثار پادشاهان غسان و پادشاهان مندزمی باشد.

حال با چنین دلایل و آثار شایسته نیست گفته شود که عرب‌های پیش از اسلام دارای تمدن نبودند و استعداد تمدن شدن را نداشته‌اند.

با این همه ما منکر نیستیم که تمدن اسلام بر آثار درهم ریخته تمدن فارس و روم بنا شده است ولی اعراب هم در آن تمدن عامل مؤثری بودند همانطور که ایرانیان و رومی‌ها و یونانی‌ها تمدن خود را از ملل دیگر اقتباس کرده و چیزهایی بر آن افزودند مثلاً یونانی‌ها از مصری‌ها و رومی‌ها از یونانی‌ها و ایرانیان از آشوری‌ها و بابلی‌ها و کلدانی‌ها تمدن خود را گرفته و به تناسب اوضاع و احوال چیزهایی بر آن افزوده آنرا جرح و تعدیل کردند، با این فرق که اقوام مزبور پس از مدت‌های منمادی تمدن جدید خود را تشکیل دادند. بر عکس اعراب که فوری دولت مهمی تأسیس کرده، تمدن تازه‌ای ایجاد نمودند.

و نتایج افکار خود را بروز دادند و در قرن دوم و سوم هجری سراسر جهان را از علوم و آداب خویش بهره مند ساختند، در صورتیکه ژرمن‌ها در مدت چندین قرن (قبل از اسلام و بعد از اسلام) بممالک روم حمله آوردند و فتوحاتی کردند اما نتیجه کشورگشایی آنان چیزی جز قتل و غارت نبود. همین قسم اقوام هون در قرن پنجم میلادی شمال و مشرق مملکت روم و کشورهای هنگری (مجارستان) رومانی اروپای ترکیه را فتح کردند و دو بیست سال تمام دولتی بنام دولت خاقان در آن ممالک تشکیل دادند و با آنکه خیلی پیش از عربها بمراکز تمدن یونانی نزدیک بودند معذک تمدن و فرهنگ جدیدی تأسیس نکردند. اقوام اسلاو در قرن ششم میلادی، قسمت شرقی کشور روم را گشودند و تا نزدیک قسطنطنیه رفتند اما متمدن نشدند.

ملتهای دیگر مانند تاتار و مغول کشور گشایی میکردند اما نمیتوانستند تمدنی تشکیل بدهند. مثلاً سپاهیان تیمور لنگ ممالک عرب را فتح کردند و پادشاهان عرب را از تخت بزر آورده دولتی نه تمدن جدیدی تشکیل دادند و نه تمدن اعراب را نگاهداشتند. آیا این همه دلیل و برهان کافی نیست که بدانیم عربها استعداد برای تشکیل هر نوع تمدن و فرهنگی را دارا هستند؟

دوره جاهلیت
در حجاز

مردمان شمال و جنوب شبه جزیره عربستان چنانکه گفته شد از خود تمدنی داشته‌اند ولی مردم حجاز که در وسط عربستان میزیستند بحال بدوی باقی ماندند زیرا سرزمین آنان خشک و بد آب و هوا بود و بواسطه سختی و بدی راه با مردمان متمدن آن زمان مربوط نبودند. بقسمی که جهانگشایان بزرگ دنیا مانند رامسیس دوم در قرن ۱۴ پیش از میلاد و اسکندر مقدونی در قرن چهارم پیش از میلاد و ایلویوس گالوس در زمان اوگوست امپراطور روم (قرن اول میلادی) از تسخیر حجاز عاجز ماندند. همینطور پادشاهان ایران موفق نشدند بر حجاز دست بیابند از آنروز مردم حجاز با خاطری آسوده بزندگانی بدوی بی آرایش خویش ادامه دادند و این خود طبیعی است که تا انسان خود را در خطر نه بیند ب فکر چاره نمیافتد و از طرف دیگر انسان طبعاً خودخواه و طالب نام و جاه و مقام میباشد و ناچار بمبارزه می پردازد و چون عربهای حجاز که با مردم

دیگر مربوط نبودند بجان یکدیگر افتادند و کاری جز قتل و غارت داخلی نداشتند و در عین حال مردانگی، گذشت، سخاوت، از صفات برجسته این مردم جنگجو بود و همین صفات برجسته آینده درخشانی برای آنان در پیش داشت.

عربهای حجاز سالهای بسیاری که شمارش آنرا خدا میداند بهمین حال بدویت زندگی میکردند و چیزی از فرهنگ و تمدن نمیدانستند، تا اینکه یهودیان از زمان موسی و بعد از آن بواسطه تعدیات رومیها و پس از خرابی اورشلیم به حجاز مهاجرت کردند و شاید نبطی هاهم در این آمد و شد با یهودیان بودند و در شهرهای مکه و مدینه و طائف اقامت کردند. بخصوص یهودیان بیشتر بمدینه آمدند زیرا هم کیشان آنان یعنی طوایف اوس و خزرج در مدینه بودند.

آمدن یهود به حجاز در وضع اجتماعی اعراب آن منطقه تأثیر بسیار داشت. مراسم حج، قربانی، نکاح، طلاق، برگزاری رسومات عید، انتخاب کاهن و امثال آن مطالبی بود که حجازیان از یهودیان آموختند. همین قسم داستانهای تورا و تلمود از یهود با اعراب حجاز منتقل شد و همینکه سد مارب خراب شد مردم یمن هم به حجاز آمدند و تدریجاً اعراب بدو قسمت بادیه نشین و شهر نشین تقسیم گشتند و شهر نشینان حجاز همان مردم مکه و مدینه و طائف میباشند. مکه مهمترین شهرهای حجاز بود. زیرا از دور ترین نقاط عربستان برای زیارت کعبه بمکه میآمدند. مکه در عین حال که زیارتگاه بود، مرکز بازرگانی هم شد و طبعاً قبایل نیرومند عرب برای تسلط بر شهر مکه بتکاپو افتادند. در ابتداء فرزندان اسماعیل یعنی خود حجازیها پرده دار کعبه و فرمانروای کعبه بودند. اما بزودی طایفه خزاعه از یمن بمکه آمدند و در قرن دوم میلادی فرمانروایی مکه را از فرزندان اسماعیل گرفتند ولی ناموس طبیعت، کار آنها را ساخت و در مدت کوتاهی در برابر زورمندی طایفه عدنان (حجازی) از پا درآمدند. قبیله کنانه از شاخه های عدنان و قبیله قریش از شاخه های عدنان پدید آمد و فرمانروایی مکه در دست قریش باقی ماند.

در قرن پنجم میلادی سرخاندان قریش قصی بن کلاب بن مره بود که بواسطه هوش و عقل و فکر صائب خویش شهرت بسیاری داشت. در آن زمان فرمانروایی مکه با

طایفه خزاعه بود قصی بن کلاب دختر فرماندار مکه را گرفت تا مگر پس از مرگ پدر زن خود فرماندار مکه گردد. از این ازدواج پسری بدنیا آمد که بازرگان ثروتمند مشهوری شد در این اثنا پرده دار کعبه و فرماندار کعبه در گذشت و پیش از مرگ دختر خود (زن قصی) را جانشین خود ساخت، ولی آن زن از قبول چنان منصب مهمی عذر خواسته اظهار داشت که: توانائی گشودن و بستن در کعبه را ندارد فرماندار مکه، سپس آن مقام را به پسر ناتوان خود موسوم به (محترش) واگذار کرد، اما محترش بقدری نادان و ناتوان بود که مقام خود را در مقابل دریافت یک خیک شراب به قصی بن کلاب شوهر خواهر خود واگذار کرد.

این پیش آمد بر طایفه خزاعه گران آمد و با طایفه قریش بجنگ و ستیز برخاستند سرانجام کار بحکمیت واگذار شد و چون حکم آنها مردی از قریش بود لذا حق را به قصی بن کلاب داد و قصی بن کلاب و فرزندانش تا ظهور اسلام، پرده دار کعبه و فرماندار مکه گشتند.

قصی بن کلاب، اقوام خود را از اطراف بمکه آورد و زمینهای بسیاری بآنان واگذار کرد تا در اطراف کعبه برای خود جا و منزل بسازند جانشین قصی پسرش عبدمناف شد، عبدمناف چندین پسر داشت و از آن جمله هاشم و عبدشمس بودند. عبدمناف در موقع مرگ هاشم را جانشین خود قرارداد امیه پسر عبدشمس بر عموی خود هاشم حسد ورزید و مطابق معمول آن زمان شرط بندی کرده برای محاکمه و اثبات حقانیت خود نزد کاهن خزاعی مقیم (عسفاء) رفتند و جریان را گفتند. کاهن بحقانیت هاشم حکم داد و چون امیه شرط کرده بود که در صورت محکومیت پنجاه شتر بعموی خود بدهد و بیست سال تمام از حجاز هجرت کند ناچار بشرط خود عمل کرده شترها را داد و از حجاز بشام رفت و این نخستین دشمنی و اختلافی بود که میان خاندان بنی هاشم و بنی امیه اتفاق افتاد و مدتی بعد از ظهور اسلام نیز ادامه داشت.

پس از مرگ هاشم پسر عبدالمطلب جد پیغمبر (ص) اسلام جانشین پدر گشت در آن زمان طایفه قریش نسبت بسایر طوایف حجاز، مزیت های زیادی داشتند همانطور که لاریها در میان یهود، و کشیشها در میان مسیحیان دارای امتیازاتی بودند.

طایفه قریش باج و خراج نمیپرداختند و بر مردم دیگر حکومت میکردند. کسی بر آنان حکومت نداشت از هر طایفه‌ای که میخواستند بدون قید و شرط دختر میگرفتند و بهر طایفه‌ای که دختر میدادند شرط میکردند که بدین قریش دربیاید. مراسم حج را طایفه قریش مقرر داشته و مردم حجاز را پیروی از آن مراسم مجبور ساختند.

حکومت عرب
در دوران جاهلیت
مقصود ما از عرب در این فصل، عرب حجاز و بخصوص مردم قریش میباشد زیرا تمدن اسلام از میان مردم حجاز و طایفه قریش پدید آمد.

حکومت سرزمین حجاز مانند حکومت سایر نقاط بادیه نشین بود یعنی وظایفی را که در ممالک متمدن دهها مردم انجام میدهند در میان مردم بادیه نشین بعهده یک نفر است که او را امیر میگویند بنا بر این امیر هم پادشاه، هم فرمانده قوا، هم قاضی و هم رئیس دارائی بود و طبعاً بدون هیچگونه دسته‌بندی و زمینه‌چینی عاقلترین و هوشیارترین افراد قبیله امیر میشد و هر گاه افراد عاقل و هوشمند متعدد بودند مسن‌ترین آنان انتخاب میگشت و هر گاه چند قبیله برای جنگ با قبایل دیگر همدست میشدند از روی قرعه فرمانده کل را از میان رؤسای قبایل انتخاب میکردند، خواه جوان و خواه پیر، همان کسیکه قرعه بنام او در آمده بود فرمانده میشد.

این وضع حکومت بادیه نشینان حجاز بود که ذکر شد اما حجازی‌های شهر نشین یعنی مردم مکه تابع اوامر پرده دار مکه بودند و همینکه پرده دار کعبه شدند طبعاً حکومت مکه نیز بدست آنها افتاد.

همانطور که گفته شد طایفه قریش شهر نشین و بازرگان
کعبه - قریش
بازرگانی
بودند، بازرگانی آنها در موقع آمد و رفت زوار کعبه انجام
میافت و از آنرو برای پیشرفت بازرگانی خویش راهها را برای
توسعه بازرگانی از هر نظر هموار و آماده میساختند تا زوار بیشتری بمکه بیایند
و سود زیاد تری عاید آنان گردد. چیز دیگری که موجب آمدن سایر قبیله‌ها
بمکه میشد آن بود که هر قبیله‌ای در کعبه بتی داشتند. شماره این بت‌ها

از سیصدبیش بود بعضی از این بتها شکل انسان بعضی شکل حیوان و پاره‌ای شکل گیاه داشتند.

علاوه بر مکه در نزدیکی شهر طایف بازار دیگری بود، که بنام عکاظ شهرت داشت. قبایل حجاز در ماه‌های حرام (ماه‌هایی که در آن جنگ نمیشد) با نجا می‌آمدند و در نخلستانهای عکاظ چادر می‌زدند و مشغول داد و ستد می‌گشتند. طایفه قریش برای اینکه مردم بیشتری را ببازار عکاظ بیاورند آنجا را نمایشگاه شعر و ادب و خطابه سرائی قرار دادند و در نتیجه هر سال عده زیادی از گویندگان و خطیبان عرب برای اظهار فضل و شهرت به عکاظ می‌آمدند و اگر کسی اسیری داشت در بازار عکاظ اسیر خود را می‌فروخت و هر کس داد خواهی پیدا میکرد برای دادرسی به عکاظ می‌آمد و پیش از اینکه بازار افتتاح شود شخصی را برای سرپرستی و اداره امور انتخاب میکردند که غالباً از مردم بنی تمیم بود همینکه نمایشگاه عکاظ پایان مییافت از آنجا بعرفه می‌آمدند و از عرفه بمکه کوچ کرده مراسم حج را انجام میدادند و به قبایل خود بازمی‌گشتند.

طایفه قریش علاوه بر شرکت در بازار عکاظ، سالی دو مرتبه یعنی زمستانها به یمن و تابستانها به بصری (شام) میرفتند و از آنرو شهر مکه رابط تجارتنی شام و یمن میشد و با آنکه در آن روزها راه‌های تجارتنی پر خطر بود کسی بیازرگانان قریش تعرض نمیکرد، زیرا قریش فرماندار مکه و پرده دار کعبه و طبعاً از هر تعرضی محفوظ بودند.

بازرگانان قریش تا ایران و حبشه هم میرفتند و از ایران موم و شکر و چیزهای دیگر و از شام خواربار و پارچه حمل میکردند.

کعبه سرچشمه و ممر معاش مردم مکه بود و در غیر آن صورت زندگی در آنسرب زمین خشک امکان نداشت. طایفه قریش بواسطه مسافرت‌های دور و نزدیک و آمیزش با مردم شام و عراق از سایر اعراب آگاه تر و آزموده تر بودند و چون کعبه یگانه سرچشمه درآمد آنان بود، برای اداره امور کعبه نهایت اهتمام را بخرج میدادند و تسهیلاتی جهت آمد و شد زوار مقرر میداشتند، مثلاً برای آب دادن و خوراک دادن بمسافران جاهای معینی درست کرده و مؤسساتی تشکیل داده بودند که شماره آن مؤسسات تا پیدایش

اسلام قریب به بیست مؤسسه میشد و ریاست هر يك از مؤسسات با رئیس یکی از تیره های قریش بود و مهمترین تیره های قریش که شماره آن بده میرسید عبارت بودند از :

تیره هاشمیان - امویان - نوفل - عبدالدار - اسد - تیم - مخزوم - عدی - جمح - سهم ، و غیره که هر يك سرپرست يك یادو مؤسسه بودند و اینك نام آن مؤسسات و تیره هائی که بر آن سرپرستی داشتند :

۱- در بانی و پرده داری کعبه - وظیفه دربان و پرده دار آن بود که در کعبه را میکشوده و می بسته است. عربها این رسم را از یهود آموختند چه که آنان برای گشودن و بستن هیكل (معبد یهود) پرده دار و دربان مخصوص داشتند .

و ژانف کتاب عقد الفرید پرده داری و در بانی کعبه را دو منصب شمرده است .

۲- آب دادن به حجاج - چون آب در مکه کم بود لذا سرپرست آب یا با اصطلاح امروز میر آبهای شهر مکه حوض های بزرگی از پوست و (چرم) ساخته و در حیاط مکه میگذارند و با مشک از چاه های دور و نزدیک آب گوارا حمل کرده ، در آن حوض ها میر بختند و همینکه چاه زمزم را کنندند از آنجا آب میآوردند و در هر صورت این کار در دست بنی هاشم بود .

۳- رفاده یا مهمانداری - باین قسم که طایفه قریش در مواقع معین مبالغی پول از میان خود جمع میکردند و برای اطعام فقراء بمتصدیان مهمانخانه (رفاده) میدادند. باید دانست که این رسم مهمانداری از ابتکارات قصی بن کلاب بوده و ابتداء توسط بنی نوفل و بعدها توسط بنی هاشم اداره میشده است .

۴- پرچم داری - و تفصیل آن چنان است که طایفه قریش پرچمی بنام عقاب داشتند و در موقع جنگ آنرا بیرون آورده بدست یکی از سران سپاه و یا بن خود پرچم دار تحویل میدادند، اما اساساً پرچم داری با امویان بوده است .

۵- ندوه و یا خانه شوری - قصی بن کلاب در نزدیکی کعبه خانه ای بنام دارالندوه بنا کرد و بزرگان قریش در مواقع مهم برای مشورت بدانجا میرفتند و کسی که کمتر از چهل سال داشت نمیتوانست در آنخانه راه بیابد . مراسم زناشویی، آماده